

نگاهی به احوال و آثار جلال الدین عبدالرحمن سیوطی

اثر: دکتر محمد حسن فؤادیان

استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران

(از ص ۲۱ تا ۴۰)

چکیده:

جلال الدین عبدالرحمن سیوطی از علماء و نویسندگان بزرگ عصر ممالیک و از پیشتازان عرصه تألیف و یکی از پر اثرترین نویسندگان اسلامی است، تعداد آثار او را بیش از ۵۰ اثر ذکر کرده‌اند، در اکثر زمینه‌های دینی و ادبی آثار مهمی بر جای نهاده است. کتابهای او در موضوعات تفسیر و علوم قرآن، حدیث، فقه، علوم عربی (لغت، صرف، نحو، معانی و بیان) تاریخ و طبقات و ... می‌باشد. در مقامه نویسی نیز دستی داشته و حدود ۲۵ مقامه از او به یادگار مانده است. از مهمترین آثار او الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، الاتقان فی علوم القرآن، الجامع الصغیر فی الحدیث البشیر النذیر، المزهر فی علوم اللغة و انواعها، الاقتراح فی اصول النحو و تاریخ الخلفاء می‌باشد. در اواخر عمر عزلت گزیده و ترک تدریس و افتاء نموده است و پس از ۶۲ سال عمر پربار در سال ۹۱۱ هـ. ق در قاهره بدرود حیات گفت.

واژه‌های کلیدی: سیوطی، آثار و تألیفات، تدریس و افتاء، مذهب، اخلاق.

مقدمه:

جلال الدین عبدالرحمن السیوطی نادره علمای عصر خویش (عصر ممالیک) و سرآمد نویسندگان عرب در آغاز ماه رجب سال ۸۴۹ ه. ق در شهر قاهره بدنیا آمد. برخی او را از خانواده‌ای ایرانی می‌دانند که در مصر ساکن شده و در آن دیار ماندگار شده‌اند. پدرش کمال الدین الاسیوطی (متوفی ۸۵۴ ه. ق) از دانشمندان بزرگ آن عصر و مدرس فقه در مدرسه شیخونیه بود سیوطی در کتاب التحدث بنعمة الله^(۱) که شرح حال خود را بتفصیل نگاشته در باره پدرش می‌نویسد:

«والدی هو الامام العلامة ذوالفنون الفقیه الفرضی^(۲) الحاسب الاصولی الجدلی النحوی التصرفی البیانی البدیعی المنشیء المترسل البارع کمال الدین ابوالمنقب ابوبکر بن... بن الشیخ همام الدین همام الخضیری الاسیوطی».

در کتاب حسن المحاضرة در باره خود می‌نویسد: «تولد من شب یکشنبه اول ماه رجب بعد از مغرب به سال ۸۴۹ ه. ق بود، مرا در زمان حیات پدرم نزد شیخ ابو محمد مجذوب که از بزرگان اولیاء و مجاور مشهد النفیسی بود فرستادند تا با انفاس و دعاهایش مرا متبرک سازد، من یتیم بزرگ شدم و قرآن را تا قبل از هشت سالگی حفظ کردم» و بعد از آن عمده الاحکام و منهاج النووی و الفیه ابن مالک و منهج بیضاوی را حفظ می‌کند.

نزد اساتید بزرگی چون شیخ شهاب الدین الشارحی، شرف الدین المناوی، تقی الدین شبلی حنفی، محی الدین کافیجی، سیف الدین حنفی، علم الدین بلقینی و پسرش به

۱- التحدث بنعمة الله نام کتابی است که سیوطی به استناد آیه کریمه قرآنی (وَآمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ) و نیز حدیث نبوی که فرموده‌اند: «التَّحَدُّثُ بِنِعْمَةِ اللَّهِ شُكْرٌ وَ تَرْكُهَا كُفْرٌ» در شرح حال خود تألیف کرده است و به ذکر نعمتهایی پرداخته که خداوند به وی ارزانی داشته‌است و آورده است که سخن گفتن در باره نعمتهای الهی مایه زیادت نعمت است چون خداوند تعالی فرموده است: ﴿ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ ﴾ .

۲- فَرَضِي کسی را گویند که در فن الفرائض (علم تقسیم ارث و احکام آن) استاد باشد .

تحصیل علوم متداوله عصر خویش می‌پردازد، شمار اساتید وی را تا ۵۱ نفر ذکر کرده‌اند. آنطور که خود وی می‌گوید به سال ۸۶۶ ه. ق (۱۷ سالگی) اجازه تدریس عربی یافت و اولین کتابش را با عنوان «شرح الاستعاذة و البسمة» تألیف کرد و در سال ۸۷۶ ه. ق (۲۷ سالگی) فرزند علم‌الدین بلقینی اجازه افتاء و تدریس به وی می‌دهد.

سیوطی در اشتیاق فراگیری علوم زمان خویش مرارتها دیده و مسافتها پیموده است به بلاد شام، حجاز، یمن، هند، مغرب، التکرور، اسکندریه و دمیاط مسافرت کرده و از اساتید نامی آن دیار بهره‌ها برده و مدتی را ملازم ایشان بوده است.

در ربیع الآخر سنه ۸۶۹ بقصد اداء فریضه حج به حجاز سفر می‌کند و ما حصل سفر خویش را در کتابی تحت عنوان «النحلة الزکیة فی الرحلة المکیة» به تحریر می‌کشد و در نیمه جمادی الآخر به مکه مشرف می‌شود و در مدت یکروز کتابی با عنوان «النحلة المسکیة و التحفة المکیة» در نحو و معانی و بیان و بدیع و عروض می‌نویسد.

خود می‌گوید: چون به حج رفتم از آب زمزم به نیت چند امر نوشیدم که یکی از آنها این بود که در فقه به مرتبه حافظ بن حجر برسم. (حسن المحاضرة، ج ۱)

و در ادامه اذعان می‌کند که در این مرحله به استاد خویش نرسیده است و او را دارای بینش وسیعتر و آگاهی و تسلط بیشتر می‌داند و نیز مدعی است که در علوم دیگر به مرتبه‌ای رسیده که هیچیک از اساتیدش هم نرسیده‌اند. (حسن المحاضرة، ج ۱)

در سال ۸۷۰ به وطن باز میگردد و در همان سال سفری به اسکندریه و دمیاط دارد و در این باره نیز کتاب «الاغتباط فی الرحلة الی الاسکندریة و دمیاط» را به یادگار می‌گذارد. بعد از بازگشت از این سفر به تدریس می‌نشیند، در مجلس درس او همه کس می‌نشستند و او در این باره گفته است: «کسی را از مجلس درس خویش طرد نکردم چه مبتدی و چه فاضل» اما یکسال بعد مجلس درس او خاص علماء و فضلاء شد، شاید به سبب سطح علمی خاص، عده‌ای ناچار به ترک کلاس می‌شدند.

از جمله شاگردان وی بدرالدین حسین بن علی القیمیری و سراج‌الدین عمر بن قاسم

الانصاری بوده‌اند که قیمری بمدت ۱۰ سال و انصاری ۲۰ سال ملازمت وی نموده‌اند .
 از سال ۸۷۲ هـ. ق املاء حدیث آغاز کرد و بر خلاف رسم آن روزگار که صبحگاه روز سه
 شنبه املاء حدیث می‌نمودند وی عصر روز جمعه بعد از نماز را اختیار کرده و حدیث
 می‌نمود و تا سال ۸۸۸ هـ. ق حدود ۲۴۰ مجلس حدیث در موضوعات مختلف املاء نمود .
 وی به همه مسائل روزگار خود توجه داشته است و تقریباً در باره هر کدام یک یا چند
 کتاب اختصاص داده است . در باره تبحر خود در علوم می‌نویسد :

« بحمد الله در هفت علم به وسعت و تبحر روزی داده شدم که عبارتند از : تفسیر ،
 حدیث ، فقه ، نحو ، معانی ، بیان و بدیع . تبحری به روش عربهای بلیغ یافتم نه به شیوه
 متأخرین از عجم و اهل فلسفه ، و بر این عقیده‌ام که در این علوم هفتگانه به استثنای فقه و
 منقولاتی که آموخته‌ام به مرتبه‌ای رسیده‌ام که هیچیک از اساتیدم به آن نرسیده‌اند چه رسد
 به دیگران . در مرحله بعد از این هفت علم در اصول فقه و جدل و تصریف و در مرحله بعد
 در علم فرائض و انشاء و ترسل مهارتی یافته‌ام ولی مدعی نیستم که در انشاء و ترسل به
 مرحله الشهاب محمود و ابن عبدالظاهر و ابن فضل الله رسیده‌ام بلکه از ایشان پایین‌تر و در
 حد توسط هستم . در علم فرائض نیز تبحرم به مرتبه علوم هفتگانه اول نمی‌رسد هر چند در
 این مورد نیز از معاصرین خود کمتر نیستم و در این رابطه کتابی تألیف کردم به نام « الجامع »
 که مسائل علم فرائض را در تمامی مذاهب حتی مذاهب صحابه و تابعین و بعد از ایشان
 آورده‌ام و آن در غایت اختصار است »

در ادامه براساس دفع شبهه کسانی که گمان می‌کردند با اذعان به این موضوع او نسبت به
 علم فرائض قاصر است می‌گوید : « این جهل کسانی است که چنین می‌پندارند سخن من
 امری نسبی است دانش من به فنون سابق الذکر همانند دریای بزرگی است که دانش فرائض
 من در مقابل آن چون رود نیل است و معرفت دیگر معاصران چون خلیج یا نهری است
 نسبت به رود نیل » . (التحدث بنعمة الله، ص ۲۰۴-۲۰۳)

آنگاه دانشش را در علوم : قراءات ، طب و حساب ذکر می‌کند و در مورد علم حساب

معترف می‌شود که: « بر من بسیار گران است هر چند به آن اطلاع دارم » (التحدث، ۲۰۴) در باره تبهرش در مسائل و احکام شرعی می‌گوید: « و اما الاجتهاد - ولله الحمد والمنة - فقد بلغت رتبة الاجتهاد المطلق في الاحكام الشرعية وفي الحديث النبوي وفي العربية » و معتقد است که رتبه اجتهاد در این امور سه‌گانه تنها در شیخ تقی‌الدین السبکی جمع بوده و بعد از وی سیوطی خود را تنها کسی می‌داند که در این امر به اجتهاد رسیده است و در باره اجتهاد در احکام شرعی نیز کتاب « تقریر الاستناد فی تیسیر الاجتهاد » را تألیف کرده است و بر این عقیده است که لقب « الحافظ » تنها از آن کسانی است که در حدیث به رتبه اجتهاد رسیده باشند می‌گوید: « و الاجتهاد فی الحديث هي الرتبة اذا بلغها الانسان سُمي في عرف المحدثين بالحافظ ». (التحدث، ۲۰۵)

همانطور که در گذشته یاد آور شدیم تقریباً سیوطی در اکثر علوم عصر خویش دستی داشته و در باره آنها مطالبی نوشته است و به سبب کثرت اطلاعات وی بعضی او را « دائرة المعارف زنده » نامیده‌اند. در اینجا جهت آشنایی بیشتر با شخصیت علمی این نویسنده بزرگ به برخی از آثار و تألیفات وی و ویژگیهای آن اشاره می‌نماییم.

آثار سیوطی و ویژگیهای آن

بی‌گمان سیوطی در میان ادیبان و عالمان دینی یکی از پیشتازان عرصه تألیف است و اگر او را در این راه پیشتازترین بنامیم گزافه نگفته و غلو ننموده‌ایم.

تألیفات او که در عدد بسیار و در موضوع متنوع است نشان از فضل بی‌شمار و دانش سرشار و تلاش و کوشش بسیار او دارد. در باره تعداد آثار او اقوال مختلفی رسیده است ولی آنچه مهم و قابل توجه می‌نماید این است که اقوال و اعداد ذکر شده اختلاف زیاد ندارند چون کمترین آن نیز ناقض ادعای ما در باره او نیست.

بروکلمان تعداد آثار چاپ شده و یا خطی او را ۴۱۵، شعرانی ۴۶۰، فلوگل ۵۶۰، استاد جمیل بک العظم ۵۷۶ و ابن ایاس ۶۰۰ اثر ذکر کرده‌اند. (به نقل از مقدمه کتاب المزهرفی

علوم اللغة و انواعها، (۱۵)

سیوطی در کتاب حسن المحاضرة - تا زمان تألیف آن - آثار خود را ۳۰۰ اثر و در کتاب التحدث بنعمة الله که شرح زندگی و ذکر آثار او به قلم خودش می باشد بیش از ۴۳۰ اثر از خود نام برده است.

برخی از این آثار کم حجم و در حد جزوه ای بیش نیست و برخی از آنها مانند الدر المنثور به ۱۲ جلد می رسد.

سیوطی برخی از آثار خود را در دنیا بی نظیر می داند و بر این باور است که کسی چون او نتوانسته است مانند آن را به ثمر برساند و ۱۸ اثر بی نظیر خورا چنین نام می برد:

- (۱) الإیتقان فی علوم القرآن (۲) الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور (۳) ترجمان القرآن (۴) أسرار التنزیل (۵) الإکلیل فی استنباط التنزیل (۶) تناسق الدرر فی تناسب الآیات و السور (۷) النکت البدیعات علی الموضوعات (۸) جمع الجوامع فی العربية (۹) شرحه یسمى همع الهوامع (۱۰) الأشباه و النظائر فی العربية تسمى «المصاعد العلیة فی القواعد العربية» (۱۱) السلسلة فی النحو (۱۲) النکت علی الالفیة و الکفایة و الشافیة و الشذور و النزهة، فی مؤلف واحد (۱۳) الفتح القریب علی مغنی اللیب (۱۴) شرح شواهد المغنی (۱۵) الاقتراح فی أصول النحو و جدله (۱۶) طبقات النحاة الکبری تسمى بغیة الوعاة (۱۷) صون المنطق و الکلام عن فن المنطق و الکلام (۱۸) الجامع فی الفرائض، لم یتم. (التحدث بنعمة الله)
- در اینجا به ذکر برخی از آثار وی که بر اساس موضوعات تقسیم بندی شده اکتفا می نمایم:

در تفسیر و علوم قرآنی

(۱) التحبیر فی علوم التفسیر که کتاب الإیتقان فی علوم القرآن ثمره تنقیح و تهذیب و زیادت بر این کتاب است

(۲) الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور (در ۱۲ جلد چاپ شده است)

۳) مجمع البحرین و مطلع البدرین فی التفسیر که تنها تا آیه اهدنا الصراط المستقیم و نیز سوره کوثر نوشته شده است و سیوطی از این کتاب با عنوان جامع بین منقول و معقول یاد کرده ولی متأسفانه به پایان نرسیده است و ظاهراً مقدمه همین کتاب است که با عنوان التحبیر فی علوم التفسیر به صورت مستقل چاپ گردیده است .

۴) التفسیر المسند (ترجمان القرآن) (۵ جلد)

۵) تکملة تفسیر الشیخ جلال الدین المحلی که از اول سوره بقره تا آخر اسراء توسط جلال الدین سیوطی و از اسراء تا آخر قرآن و سوره حمد توسط جلال الدین المحلی (وفات ۸۶۴ هـ ق) تفسیر گردیده است و با عنوان تفسیر الجلالین به چاپ رسیده است . همانطور که از اسم کتاب آشکار است سیوطی این کتاب را که میراث جلال الدین المحلی بوده است کامل نموده و به پایان برده است و گفته‌اند در چهل روز آنرا به انجام رسانیده است این کتاب با چند شرح از جمله مشهورترین شرحهای آن شرح سلیمان الجمل المولود (وفات ۱۲۰۴ هـ ق) به چاپ رسیده است .

۶) حاشیة بر تفسیر البیضاوی تا آخر سوره انعام به انجام رسانیده است

۷) مفاتیح الغیب از سوره اعلی تا آخر قرآن می باشد
۸) اسرار التنزیل که قطف الازهار فی کشف الاسرار نیز نامیده شده و تا آخر سوره براءة می باشد و در یک مجلد ضخیم موجود است

۹) الاکلیل فی استنباط التنزیل

۱۰) لباب النقول فی اسباب النزول (توسط چاپخانه عیسی البانی در قاهره به چاپ رسیده است)

۱۱) الاتقان فی علوم القرآن در یک مجلد بزرگ چاپ شده است و توسط استاد محترم سید مهدی حائری قزوینی به فارسی ترجمه گردیده است ، کتابی است جامع در علوم قرآن و در نوع خود بی نظیر است و سیوطی آنرا مقدمه تفسیر خود به نام مجمع البحرین و مطلع البدرین قرار داده است

۱۲) مفحمت الاقران فی تفسیر مبهمات القرآن (در قاهره توسط مکتبه المحمودیه به چاپ رسیده است)

در علم قراءات

۱) الدر النثیر فی قراءه ابن کثیر

۲) درج العلی فی قراءه ابی عمرو بن العلاء

۳) الفیه فی القراءات العشر

۴) شرح الشاطبیه (ممزوج)

در حدیث

۱) الجامع الصغیر فی الحدیث البشیر النذیر این کتاب مجموعه‌ای است در حدیث

که ۱۰۰۳۱ حدیث را در بر دارد، این کتاب با شرح عبد الرحمن المناوی (وفات ۱۳۰۲ هـ ق) در قاهره سال ۱۲۸۶ به چاپ رسیده است.

۲) الجامع الکبیر که در بر دارنده ۸۰ کتاب جامع در حدیث است و در مصر به طبع رسیده است.

۳) اللالی المصنوعه فی الاخبار الموضوعه

۴) الالفیه فی مصطلح الحدیث و تسمی نظم الدرر فی علم الاثر

۵) الفوائد المتکاثرة فی الاحادیث المتواترة

۶) الدرر المنتصرة فی الاحادیث المشتهرة

۷) درر البحار فی الاحادیث القصار که بر اساس حروف الفبا منظم گردیده است.
در فقه

۱) المولدات فی الفقه

۲) المقدمة فی الفقه

(۳) الجامع فی الفرائض

(۴) ازالة الوهن عن مسألة الرهن

در نحو و صرف و معانی و بیان و بدیع

(۱) جمع الجوامع فی النحو و التصریف و الخط مجموع چند کتاب کامل و جامع در

نحو است ، وی در این کتاب تمامی مسائل مربوط به نحو را بر شمرده است و چون ماده

علمی آن را از حدود ۱۰۰ کتاب برگزیده این اسم را برای آن انتخاب نموده است

(۲) موشحة فی النحو

(۳) الشهد فی النحو (و هی قصیده فی بحر الهزج)

(۴) شرح الفیه ابن مالک (ممزوج) که به البهجة المرضیة فی شرح الالفیة نیز مشهور

است و بارها چاپ گردیده است .

(۵) شرح الفیه ابن معط (ممزوج)

(۶) النکت علی الالفیة و الکافیة و الشافیة و الشذور و النزهة در یک کتاب

(۷) شرح شواهد مغنی اللیب اولین بار در قاهره در سال ۱۳۲۲ هـ . ق به چاپ رسیده

است .

(۸) الالفیة فی النحو و التصریف و الخط تسمى الفریدة (الفریدة فی النحو و التصریف و

الخط) که با شرح محمد بن عبد الرحمن بن زکری الفاسی در سال ۱۳۱۹ هـ . ق در فاس به

چاپ رسیده است)

(۹) الالفیة فی المعانی و البیان (عقود الجمال)

(۱۰) الاقتراح فی اصول النحو از کتابهای ارزشمند در زمینه نحو است که به چاپ نیز

رسیده است .

(۱۱) الجمع و التفریق بین الانواع البیعیة

۱۲) شرح القصيدة الكافية في التصريف

۱۳) الاشباه و النظائر في العربية که «المصاعد العلية في القواعد العربية» نیز نام دارد، دارای هفت قسم است که هر قسمی خود تألیفی مستقل و جداگانه است که به مجموع آن الاشباه و النظائر گویند و عنوان هر قسم آن چنین است: ۱) المصاعد العلية في القواعد النحوية. ۲) تدريب اولی الطلب في ضوابط كلام العرب. ۳) سلسلة الذهب في البناء من كلام العرب. ۴) اللمع و البرق في الجمع و الفرق. ۵) الطراز في الغاز. ۶) في المناظرات و المجالسات و المصارجات. ۷) التبر الذائب في الافراد و الغرائب.

۱۴) همع الهوامع في شرح جمع الجوامع از کتابهای مهم در علم نحو و دیگر علوم عربی است که در سال ۱۹۲۷ م در مصر به چاپ رسیده است.

در تاریخ

۱) جزء في فضل التاريخ و شرفه و الحاجة اليه

۲) حسن المحاضرة في اخبار مصر و القاهرة کتاب کاملی است در باره تاریخ مصر در گذشته و حال همراه با احوال حاکمان، والیان، نوابغ و مشاهیر مصر. ضمناً سیوطی در آغاز کتاب به توصیف مصر در آینه آیات و روایات نیز پرداخته است

۳) تاریخ الخلفاء اهتمام سیوطی در این کتاب ثبت تاریخ خلفا تا زمان خود او بوده است ولی نسبت به تاریخ خلفاء راشدین و امویان و عباسیان در بغداد و مصر نسبتاً کامل و مستوفی است. این کتاب نیز به سال ۱۳۸۳ ه در مصر با تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید به چاپ رسیده است.

۴) الشماريخ في علم التاريخ

۵) بدائع الزهور في وقائع الدهور کتابی است در تاریخ عالم، این کتاب در سال ۱۲۸۲ در قاهره چاپ گردیده است

در طبقات الناس

۱) طبقات المفسرين هر چند سیوطی تلاش داشته کتاب جامعی در باره مفسرین قرآن

از آغاز تا عصر خود تألیف نماید ولی آنگونه که می‌خواست است کار به پایان نرسیده و تنها به شرح زندگی ۱۳۶ مفسر اکتفا نموده است، این کتاب در سال ۱۹۶۰ م در تهران از روی چاپ لندن افست گردیده است.

(۲) بغية الوعاة في طبقات اللغويين و النحاة این کتاب شامل بیش از دو هزار زندگینامه از علمای نحو و لغت از آغاز تألیف در این علوم تا عصر سیوطی است که بر حسب قرن زندگی و هر قرنی بر اساس حروف الفبا منظم گردیده است و به جهت تبرک به نام پیامبر خدا ﷺ نام کسانی را که محمد و یا احمد بوده مقدم داشته است.

(۳) طبقات الحفاظ

(۵) طبقات الکتاب

(۶) طبقات الشافعية (بسیار مختصر است)

(۷) طبقات الاصوليين

(۸) طبقات الاولياء (حلیة الاولياء)

(۹) طبقات شعراء العرب

در باره عالم پس از مرگ

(۱) شرح الصدور بشرح حال الموتى و القبور که با عنوان مختصر کتاب البرزخ در سال

۱۳۰۹ هـ ق در قاهره چاپ شده است

(۲) البدور السافرة فی الامور الآخرة (در سال ۱۳۱۱ در هند چاپ سنگی شده است)

(۳) الدر الحسان فی البعث النعیم الجنان (چندین بار چاپ شده است)

(۴) التثبیت عند التنبیت که حدود ۱۷۶ بیت در بحر رجز است و مسائل مربوط به

حساب میت در قبر را در بر دارد، این کتاب با شرح ابیات در چاپخانه عصریه در فاس سال

۱۳۱۴ هـ ق چاپ شده است

در لغت

المزهر فی علوم اللغة و انواعها در ۲ جلد به چاپ رسیده است. و به حق از کتابهای

شایسته ، عمیق و تحقیقی در این علم است و از جمله کتابهای افتخار آفرین سیوطی است که برای معرفی شخصیت علمی و ادبی وی کافی است . هر چند در صحت انتساب آن به سیوطی شکی نیست ولی نام این کتاب را سیوطی در التحدث بنعمة الله نیاورده و محتمل است بعد از نوشتن کتاب التحدث بنعمة الله تألیف نموده باشد .

در باره شعر عرب

نمی توان گفت سیوطی بهره ای از شاعری نداشته است چون ارجوزه ها و مقامه های زیبای او که شعر منشور است از توانایی او در این فن حکایت می کند ولی دیوان شعری از او نیست اما در باره شعر تألیفاتی دارد که برخی از آن عبارتند از :

(۱) استذکار الالباء فی شعر العرب العرباء

(۲) شرح بانث سعاد (ممزوج)

(۳) شرح البردة

(۴) جزء فیہ المسلسل بالشعراء و الکتاب

در مقامات

قلم توانا و زیبای این نویسنده بزرگ و مهارت او در بکارگیری لغات و فنون ادبی در این میدان به نمایش گذارده شده و در عین سادگی و لطافت قدرت و صلابت خود را آشکار نموده است و آنچه قابل توجه است نوآوری سیوطی در بکارگیری فن مقامات برای اغراضی غیر از اغراض و موضوعات متداول در این فن است ، که متأسفانه مجال بحث بیشتر در این مختصر نیست و به ناچار به ذکر عناوین مقامات وی اکتفا می کنیم :

(۱) المقامات السیوطیة فی الطب و الطیب که شامل مقامات زیر است : (۱) المقامة

الوردیة (الریاحین)

(۲) المقامة المسکیة (۳) المقامة التفاحیة (۴) المقامة الزمردیة (۵) المقامة الفستقیة (۶)

المقامة الیاقوتیة

(۲) مقامة الحمی

۳) المقامة النيلیه فی الرخاء و الغلاء (البحریة)

۴) مقامة الروضة روضة مصر

۵) المقامة الطاعونية

۶) المقامة الولدیة فی التعزیه عن فقد الاولاد

۷) المقامة سندسیة

۸) درر الکلام و غرر الحکم (بدون ذکر نام «مقامه» بر آن)

۹) المقامات الاربع : ۱) المکیه ۲) المصریه ۳) الاسیوطیه ۴) الجیزیه

۱۰) مقامة یسمى الكاوی فی تاریخ السخاوی

۱۱) المقامة المزهریة (النجاح فی الاجابة الی الصلح)

۱۲) المقامة المستنصریه (تحذیر الرجال من الاصفاء الی الدجال)

۱۳) المقامة اللؤلؤیة (التنفیس فی الاعتذار عن ترك الفتیا و التدریس)

۱۴) مقامة طرز العمامة فی التفرقة بین المقامة و القمامة

از وی در موضوعات مختلف و متفرقه دیگر نیز کتابها و جزواتی به یادگار مانده است که

در این مختصر مجال ذکر آنها نیست. *پژوهش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

ویژگیهای آثار سیوطی

سیوطی که از نویسندگان بارز عصر انحطاط و دوره رکود و جمع به شمار می‌آید دارای خدمات قابل توجهی به عالم اسلام است و تألیفات وی در این زمینه از اهمیت فراوان برخوردار است. بی‌گمان تنوع و تعدد آثار وی و ویژگیهای خاصی به مجموعه آثار او می‌بخشد که با دیگران قابل مقایسه نیست و شخصیت چند بعدی او در آثارش جلوه‌گری می‌کند برای مثال می‌توان تأثیر شخصیت قرآنی و حدیثی او را در اجزاء آغازین کتاب حسن المحاضرة و مقامه نویسی وی به وضوح مشاهده نمود و یا تأثیر قدرت ادبی او در تألیف آثار وی چون الاتقان در علوم قرآن و التثبیت عند التنبیت که ارجوزه‌ای در مسائل مربوط به حساب میت قبر است آشکار است در باره خصوصیات آثار او گفته‌اند :

«در ادبیات عرب نویسندگانی که آثارشان سه بعدی باشد وجود نداشتند و از اینروست که داستان آثار سیوطی باور نکردنی می نماید. نام پانصد و شصت و پنج اثر از او در دست است که از این میان حدود چهارصد و پنجاه اثر هنوز وجود دارند و شناخته شده اند. البته تعدادی از آنها رسالاتی است در چند صفحه: اما اکثرشان در چندین مجلد متعدد می باشد. آنها تمام زمینه های مطالعات ادبی و علمی دوران خود را در بر می گیرند، تعدادی از آنها صرفاً مجموعه ای از نقل قولها و روایتهاست مانند گزارشهای او در باره دقایق مفاهیم علوم دینی (مثلاً چند نفر نماز جماعت روز جمعه را تشکیل می دهند) و بعضی آثار اساسی و بنیادی هستند که در آنها مواد قابل دسترسی برای استفاده دیده می شوند. مهمترین این مواد عبارتند از:

(۱) رساله با ارزشی در باره علوم می که با قرآن ارتباط پیدا می کند (اتقان) (۲ و ۳) تفسیر مجملی درباره قرآن و رساله ای در باره صرف و نحو عربی (۴) تاریخ الخلفاء (۵) کتابی در باره تاریخ، نهادها، آثار تاریخی و اعیان و اشراف مصر (از جمله در پایان کتاب ترجمه حال خودش). رسالات سیوطی به خاطر فایده و جامعیت و سبک ساده شان به زودی در همه جا و در همه کشورهای اسلامی رواج پیدا کردند و تقریباً مدت چهار قرن به عنوان تفسیر کننده و تلخیص کننده سنت کلاسیک اسلامی مقام معتبری را کسب نمودند. (در آمدی بر ادبیات عرب، راسکین گیب، ص ۱۴۹ و ۱۵۰)

بطور کلی می توان آثار او را دارای ویژگیهای زیر دانست:

(۱) وسعت دانش و اطلاعات او کتابهایش را جامعیت خاص بخشیده و دارای فوائد بسیار نموده است.

(۲) به قول صاحب ریحانة الادب «اکثر آثار او کبیر الاسم و صغیر الجسم است» یعنی با اینکه عنوان بزرگی دارد مجموعه چند ورق یا اوراقی بیش نیست در این باره خود سیوطی در فصل ذکر آثارش به دنبال ذکر نام تألیف، کلماتی از قبیل «کتب منه اوراق» و «کتب منه کراس» و «کتب منه ورقه» و غیره آورده است.

۳) اکثر نسبت به کتابهای از دست رفته و مطالب آن اطلاعاتی شایان توجه به جای گذاشته است. بویژه آنکه مؤلف به این فکر بوده که منابع خود را به وضوح ذکر کند.

۴) صفت ساده نویسی در تمامی آثار وی حتی در مقامه نویسی او به خوبی مشهود است.

۵) قلم خستگی ناپذیری در میدانی وسیع از موضوعات متعدد و متنوع سیر می‌کند که نشان از وسعت دانش و معلومات بسیار وی در انواع موضوعات غامض دارد و پاسخگویی به آن دارد.

۶) بواسطه توجه او به خواست عموم مردم و نیازهای جامعه دینی آن روزگار آثارش در سراسر دنیای اسلام - همانگونه که ادعا کرده است - از هند تا مراکش اشاعه یافت و سهم بسیاری در ترویج فرهنگ اسلامی در میان مردم داشت.

شهرت سیوطی :

از سال ۸۷۵ ه. ق با انتشار آثار وی به سراسر جهان اسلام آوازه چشمگیر یافت ، در این باره می‌گوید :

«بعضی از دوستانم برای من خوابی دیدند و آنرا برای شیخ صالح محب الدین الفیومی نقل کردند و او در تأویل آن گفت : او (سیوطی) قبل از اینکه بمیرد علمش در شرق و غرب عالم انتشار یابد» و این کار نیز با سفر بعضی از فضلاء و علماء و شاگردان وی که شیفته آثار او بودند در زمان حیاتش تحقق یافت . هر چند این شهرت مایه تحریک حسودان و دشمنی آشکار و پنهان برخی معاصرانش با او گردید ولی تأثیر آثار ارزشمند او بدخواهی بدخواهان را به ناکامی کشاند و از آن زمان تاکنون نام او در شمار بلند آوازه‌ترین علماء درن و ادب می‌درخشد.

ترک تدریس و افتا:

برخی را نظر بر این است که منزلت والای سیوطی و شخصیت ممتاز او که در زمان خود او بر سر زبانها بود و کثرت آثار و املاء وی مایه حسادت همردیفان او شد و بدین سبب آماج تهمتهای ایشان قرار گرفت از جمله به او نسبت دادند که کتب کتابخانه محمودیه را بدست

آورده و با کم و زیاد کردن مطالب آن آنها را به خود نسبت می دهد یکی از این افراد شمس الدین سخاوی مورخ مشهور و صاحب کتاب «الضوء اللامع» است که در این کتاب مطالبی را به او نسبت داده و او را به خشم آورده است و سیوطی با تألیف مقامه «الکاوی علی تاریخ السخاوی» به او پاسخ داده است .

البته افراد دیگری چون احمد بن محمد القسطلانی و ابن الکرکی و ابن العلیف به او حمله کرده اند که سیوطی با کمک دوستان و شاگردان خود با آنها مقابله نموده است . در کتاب تاریخ ادبیات عرب آمده است : «اما در اثر اتهامات ناهنجار اختلاس از همه مناصب خود خلع شد و در جزیره روضه در قاهره عزلت گزید و پس از آن از قبول هر منصبی سر باز زد» (تاریخ ادبیات عرب، ج ۲، عبدالجلیل، ص ۲۶۱) اما آنچه از مکتوبات سیوطی در مجادله با معاندین بر می آید این است که وی از وضع عمومی و غالب زمان خود دارد شکایت ، شکایت از بی توجهی و کم لطفی نسبت به فضلاء و عالمان و بها دادن به ظاهر سازان و ریا کاران، گله از دروغگویی و تهمت زنی و اختلاف انگیزی و خیانتکاری و نیز شکایت از اهانتها و قدر ناشناسیهای آنان است . شکایتهایی که سبب کناره گیری او از مناصب و مجالس گردیده و فتوی و تدریس را ترک می کند . در این باره می نویسد :

«طالما قطعْتُ نهاری فی التدریس و الافتاء و استغفرقُ اوقاتی فی نفع الناس وقتاً فوقتاً و لم اسلم علی ذلک ممن یولینی اذیً و مقماً و یرمینی کذباً و بهتاً» چه بسیار روزها را که در تدریس و فتوی دادن گذرانیدم و وقت خویش را پی در پی صرف بهره رسانیدن به مردم نمودم ولی با این همه از دست آزار دهندگان و دروغگویان و اهل بهتان در امان نماندم .

و در جای دیگر در توصیف وضع جامعه خود می گوید :

«و أهینَ الکبیرُ و قُدم علیه الصغیرُ و رفعت الاشرارُ و وضعت الاخیارُ فلا یتبع العلیم و لا یتحیی من الحلیم و اتخذت البدع سنة و صار الموت الی العلماء أحب من الذهب الاحمر...» مرد بزرگ اهانت می شود و بی خردان و خُردان بر او مقدم داشته می شوند ، اشرار برقرار و نیکان برکنار می گردند ، شخص دانا پیروی نمی گردد و از بردباران شرم نمی دارند ،

بدعتها سنت گرفته شده‌اند و مرگ برای دانشمندان بهتر از طلای سرخ گردیده است .
و در جای دیگر با ادامه شکایت خویش از اوضاع زمانه ناهنجار علت عزلت و ترک افتاء و
تدریس را چنین بیان می‌کند :

«فلما رأيتُ نظامَ العلمِ قد فسَدَ و سوقَ الفضلِ قد كَسَدَ و وَقَعَ التساوى و ياليتَه بل التقديم
المُهر على الاسد و امتلاء كل جَسَدٍ بالحسد و سادَ الجاهلُ بما اليه و سَدَ و كاد العالمُ يُجرَّ من
عنقه بحبلٍ من مَسَدٍ ... فتركتُ التدريسَ و ... » (مقامة اللؤلؤيه يا التنفيس فى الاعتذار عن
ترك الفتيا و التدريس) پس چون دیدم نظام علمی جامعه به فساد گرویده و بازار ارزشها کساد
گردیده و صید بر صیاد (الاغ بر شیر) نه تساوی ای کاش تساوی می‌بود بلکه مقدم شده ، و
دلها پر از حسد گردیده و جاهل برمسند خود تکیه زده و عالم با ریسمان به گردن ، به خواری
کشیده می‌شود ... پس ترک تدریس و افتاء نمودم .

و بدین ترتیب در چهل سالگی ترک افتاء و تدریس کرده و در جزیره روضه قاهره عزلت
گزیده و باقی عمر را در عبادت کردگار و تألیف آثار بسر برده است .

مذهب سیوطی : آنطور که مشهور است و اکثر ناقلان اخبار بر آن اتفاق دارند سیوطی به
مذهب شافعی بوده است و تصریح وی در این باره چنین است :
«بلغتُ درجةَ الاجتهادِ المطلقِ لم أخرج فى الافتاء عن المذهب الامام الشافعى ،
(التحدث بنعمة ...)

در ریحانة الادب آمده است :

« چنانچه موافق جمعی از ارباب تراجم نگارش دادیم سیوطی اشعری شافعی بوده و لکن
از ابن معصوم سید علی خان مدنی نقل است که سیوطی در یکی از مصنفات خود از آن
مذهب منصرف و بامامت دوازده امام معصوم عليهم السلام معتقد و وصایت بلافصل حضرت امیر
المؤمنین عليه السلام را مبرهن داشته است »

و در ادامه نویسنده کتاب ریحانة الادب گوید :

«نگارنده گوید دو کتاب ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی و کشف اللبس فی حدیث ردّ الشمس سیوطی که در فوق مذکور داشتیم صحت قضیه را تأیید می نماید.»
 و محتمل است یکی از عوامل بی توجهی به وی و آزار معاندان که سبب ترک درس و افتا وی گردید گرایش و یا اعتقاد او به مذهب امامیه باشد.
 در هر حال امید می رود سیوطی بر این کار اقدام نموده باشد و اجر جزیل زحمات خود را در روز آخرت دریافت نماید چون بر این باوریم که تمسک به دو ثقل مایه نجات و رستگاری است.

اخلاق سیوطی : سیوطی علاوه بر اینکه از درجات علمی رفیع برخوردار بود در درجات اخلاقی نیز صاحب مراتب عالیه و برجسته است. او را مردی پارسا، عفیف، کریم، صالح و جوانمرد می دانند. گویند هیچگاه دستش را نزد امیر و پادشاهی دراز نکرد و روی به دربار آنان ننمود و هرگاه امراء وی را به نزد خود می خواندند او از حضور سر باز می زده است ظاهراً بخاطر اعتقاد قلبی و دینی این کار را ناپسند می داشته و در این باره کتابی با عنوان « ذم زیارة الامراء » تألیف کرده است. *گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*
 آورده اند که سلطان الغوری یک غلام و هزار دینار نزد او فرستاد سیوطی هزار دینار را پس فرستاد و غلام را جهت خدمتگزاری حرم پیامبر صلی الله علیه و آله آزاد نمود. اگر امراء و وزراء بزیارت وی می رفتند و برایش هدایا و عطایایی می بردند آنها را قبول نمی کرد. آنچه در این باره از او رسیده است حاکی از این مطلب است که در امور امراء دخالتی نداشته و کاری را که مایه دلخوری و رنجش آنها می گردید انجام نمیداده است، در این باره کتاب « السنا الباهر بتکمیل النور الساهر » آمده است :

«هنگامی که از دنیا رفت با اینکه دوران ظلم و ستم بود کسی از طرف مقامات دولتی متعرض ما ترک او نشد. سلطان الغوری گفته بود: استاد در زمان حیاتش چیزی از ما نگرفت ما هم پس از مرگش متعرض اموالش نمی شویم.»

سرانجام او: سرانجام پس از ۶۲ سال تلاش و کوشش، تعلیم و تعلم و تدوین و تألیف که به حق عمری مفید و حیاتی سازنده بود در سحرگاه روز جمعه نوزدهم جمادی الاولی سال ۹۱۱ ه. ق و بنا بقولی روز پنجشنبه نهم جمادی الاولی همان سال به دیار باقی شتافت و دار فانی را وداع گفت. جنازه او را در محلی بنام قوصون خارج باب الغرافه در شهر قاهره بخاک سپردند.

نتیجه:

- سیوطی از نویسندگان بزرگ عرب در دوره انحطاط یا عصر ممالیک است.
- او یکی از پرکارترین، موفق‌ترین و صاحب بیشترین آثار در تاریخ ادبیات عربی است.
- آثار او موضوعات متنوع و گوناگونی را در بر دارد و حدود ۵۰۰ اثر می‌باشد و اغلب در دسترس هست.
- آثار گرانسنگ و ارزشمند او جای خالی آثار از بین رفته علماء قبل از وی را پر کرده است.
- از دانشمندان پارسا و جوانمرد بود و زیارت پادشاهان و حاکمان را ناپسند می‌دانسته و عطایا و هدایای ایشان را نمی‌پذیرفت.
- در اواخر عمر به سبب حسادت و تهمت‌ها و طعنه‌های نابخردان عزلت‌گزیده و ترک افتا و تدریس نموده است. - مذهب شافعی داشته و به اعتقاد برخی مانند سید علی خان کبیر در اواخر عمر به مذهب شیعه دوازده امامی گرویده است.

منابع:

- ۱- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، التحدث بنعمة الله، تحقیق الیزابت ماری سارتین.
- ۲- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، حسن المحاضرة، ج ۱.
- ۳- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، التنفیس فی الاعتذار عن ترک الفتیا و التدریس، نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره (مجموعه ۴۴۱ د).
- ۴- دائرة المعارفة الاسلامیة ج ۱۳، دارالفکر.
- ۵- مدرس، میرزا محمد علی، ریحانة الادب، ج سوم، چاپخانه شفق تبریز.
- ۶- هامیلتون الکساندر راسکین گیب، در آمدی بر ادبیات عرب، ترجمه یعقوب آژند، انتشارات امیرکبیر.
- ۷- ج، م، عبدالجلیل، تاریخ ادبیات عرب.